

رهیافت فرهنگ دینی

فصلنامه علمی تخصصی

سال دوم-شماره هشتم- زمستان ۱۳۹۸

نقش پیاده‌روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)^۱

لاله افتخاری^۲

چکیده

جهان با سرعت به‌سوی آینده‌ای متفاوت از امروز پیش می‌رود و تمام تلاش استکبار و قدرت‌های جهان در راستای ارائه الگوی تمدن برای کشورهای جهان است. از سویی برنامه‌های جامع، کامل و فراگیر دین مبین اسلام، بشر را به‌سوی تمدنی درخشان و پویا سوق می‌دهد. لذا در سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پیوسته از تمدن نوین اسلامی و ضرورت بسترسازی برای آن یاد می‌شود. از دگر سو پیاده‌روی اربعین، هرساله بخشی از جامعه آرمانی و تمدن نوین اسلامی را به تصویر کشیده و کارآمدی آموزه‌های دینی و وحیانی را اثبات می‌کند. لذا این مقاله بر آن است تا ضمن برشمردن ویژگی‌های تمدن اسلامی و نحوه دستیابی به آن، با بهره‌گیری از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) این مورد را با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین حسینی (ع) انطباق دهد و این پدیده را به‌عنوان دروازه و مدخلی برای تمدن نوین اسلامی بررسی کند. این پژوهش با روش توصیفی-اسنادی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال است که با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) پیاده‌روی اربعین چگونه می‌تواند الگو و بستری برای تمدن نوین اسلامی باشد؟

واژگان کلیدی: سخنان رهبری، پیاده‌روی اربعین، تمدن نوین اسلامی

۱ - بخش‌هایی از این مقاله، بیشتر با اعمال تغییرات متنی و محتوایی در سومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی به چاپ رسیده است

۲ - استادیار دانشگاه شاهد، دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث؛

۱- مقدمه

تمدن بدون مینا و زمینه قبلی پدید نخواهد آمد؛ مبنای تمدن و نیروی حرکت دهنده آن فرهنگ است؛ این فرهنگ است که جامعه را به پیش می‌برد؛ به آن اوج بخشیده و به مرحله‌ای می‌رساند که با یک رخداد با یک جرقه و یا یک تکان شدید تمدنی از دل خاک سر بر می‌آورد. افزون بر این فرهنگ هویت بخش تمدن‌ها و وجه متمایز کننده آنها از یکدیگر نیز به شمار می‌رود؛ یعنی این فرهنگ است که به مبنای قضاوت انسان‌ها درباره یک تمدن شکل می‌دهد. از دیگر سو تمدن تجلی بخش و پدید آورنده فرهنگ در گستره جامعه است؛ یعنی ارزش‌ها، باورها و اعتقادات برای نهادینه شدن و فراگیری خود نیازمند به ساز و کارها و بسترهای عینی مناسبی هستند که آن را تمدن می‌نامند. افزون بر اینکه پیشرفت تمدن‌ها و ثبات آن پایه فرهنگ را استوار می‌سازد، زوایای آن را گسترش می‌دهد یکی از این‌ها، فرهنگ پیاده روی اربعین حسینی(ع) می‌باشد که ظرفیت فراوانی برای ایجاد تمدن اسلامی دارد. (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۶: ۲۳).

تمدن اسلامی به لحاظ پیشینه با ۱۴ قرن حیات از ریشه دارترین تمدن‌های انسانی به شمار می‌آید و از جهت دامنه گسترش آن، باید این تمدن را از گسترده‌ترین تمدن‌ها به حساب آورد. آنچه امروزه به عنوان تمدن اسلامی می‌شناسیم در واقع فرآیند و محصول چهارده قرن حضور مستمر و فعال "اسلام" در عرصه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان می‌باشد. چهارده قرن است که مسلمانان با اسلام زندگی می‌کنند یعنی سعی نموده‌اند تا دیدگاهشان راجع به جهان هستی و خالق جهان، نیایش‌هایشان، آداب معاشرت و معاملاتشان، ازدواج و زاد و ولدشان، جشنها و ماتم‌هایشان و... را بر پایه‌هایی از اعتقادات و دستورات اسلامی تنظیم نمایند. (نصر، ۱۳۸۴: ۳۸)

مراسم اربعین حسینی(ع) سنتی دیرپای است که قدمت آن به سال ۶۱ هجری بازمی‌گردد. در سال‌های اخیر حضور ده‌ها میلیونی زائران از سراسر دنیا آن را به همایشی فراملی، فرامرزی، فرا دینی و فرا قومی تبدیل کرده است به گونه‌ای که به‌رغم سکوت چندساله شبکه‌های رسانه‌ای جهانی، در اربعین سال ۱۳۹۷ در برابر عظمت آن تاب نیاوردند و مهر سکوت را شکسته، برخی از جلوه‌های آن را ولو به‌صورت ناقص منعکس کردند، هرچند که زائران در این مراسم هر یک خود رسانه‌ای هستند که در بازگشت به وطن و خانواده خویش به واگویی شکوه و عظمت آن می‌پردازند، لیکن انعکاس خبری آن در رسانه‌های جهانی‌ای که سال‌ها بر طبل جدایی دین از سیاست می‌نواختند، پیوسته اسلام هراسی و شیعه هراسی را

تبلیغ می‌کردند سؤالاتی را در رابطه با جامعیت برنامه‌های دین مبین اسلام، کارآمدی آن در ایجاد تمدن اسلامی و توان کاربردی ساختن آن در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کند. تجلی وحدت مردم در پیاده روی اربعین بهترین الگو است، چرا که اربعین جلوه گاه شعائر دینی می‌باشد و ظرفیت‌های تمدنی بسیاری را در خود جای داده است که تحقق تمدن اسلامی و امت واحد را میسر می‌سازد. تجلی وحدتی که در اربعین مشاهده می‌شود بهترین الگوی تمدن ساز است. (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۶: ۲۳).

۱-۱- بیان مسئله و ضرورت و اهمیت تحقیق

تمدن نوین اسلامی که از جامعیت، اقتدار و پاسخگویی اسلام ناب محمدی حکایت می‌کند پیوسته مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. از سویی معظم له به‌عنوان عالمی دینی و متخصص در تاریخ معاصر و به‌ویژه تاریخ تشیع و سیاستمداری باتجربه از دهه‌ها پیش‌تر در خصوص ویژگی‌های تاریخ کربلا و اربعین، چگونگی، چیستی و چرایی و نیز دستاوردهای آن فرمایشات گران‌قدری بیان داشته‌اند. از دگر سو پیاده روی اربعین در سالهای اخیر به عنوان یکی از پر تجمع‌ترین مناسک مذهبی نوین در میان شیعیان مطرح شده، امروزه که حضور ده‌ها میلیونی انسان‌های آزاده در پیاده‌روی اربعین بازتاب‌گویی مینیاتوری، اما موفق از آرمان شهر تمدن نوین اسلامی شده است؛ ضرورت توجه بیشتر به ابعاد و کارکردهای آن را نمایان می‌سازد.

چنین به نظر می‌رسد که پیاده‌روی اربعین با وجود نوپا بودن در کنار سایر مراسم مذهبی که قرن‌ها بر فرهنگ و تمدن اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند؛ در سال‌های اخیر بر فرهنگ و تمدن اسلامی شیعیان تأثیر به‌سزایی داشته است. در مقاله پیش رو با درک اهمیت توجه به این پدیده‌ی نوظهور به بررسی تأثیرات آن بر تمدن نوین اسلامی و مؤلفه‌های فرهنگی مربوطه می‌پردازیم.

۲-۱- پیشینه

خزاعی و رجبی دوانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "بررسی تطبیقی فرجام‌شناسی تمدنی" به بررسی مقایسه‌ای تمدن سازی سکولار و غیردینی با تمدن سازی دینی پرداخته است. نگارندگان مقاله، با بررسی نظریات موجود نشأت گرفته از دو دیدگاه متفاوت، فرجام تمدن بشری را در انحصار اراده خداوند دانسته‌اند که با حکومت صالحین که وعده آن در قرآن کریم داده شده است تحقق خواهد یافت و با بررسی این فرضیه به این یافته‌ها رسیده‌اند که مکاتب لیبرال و غیر دینی غربی از

پیش بینی پایان و فرجام مناسبی متناسب با فطرت حق‌گرا و خداجوی انسانی که بتواند راهگشای بشر سرگردان امروزی باشد عاجز است.

جمشیدی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان "مبانی دینی تمدن از منظر اسلام" مبانی موتورهای تمدن بر اساس دین اسلام را ارزیابی می‌کند. نویسنده در این مقاله معتقد است تمدن مرواریدی است که در خلأ شکل نمی‌گیرد لذا در ایجاد آن عوامل متعددی نقش دارد. در میان عوامل سازنده و شکل دهنده به تمدن مبانی دینی در کنار مبانی عقلی دارای نقش تعیین کننده و اساسی هستند. نقشی که علیرغم توجه محققان و نظریه‌پردازان تمدن به دین و اخلاق، به عنوان عوامل تمدن ساز، مورد توجه اغلب آنها قرار نگرفته است. در این مقاله این مبانی بر اساس یک حصر منطقی و با تکیه بر منابع و متون دین اسلام مطرح شده اند و عبارت‌اند از توحید‌گرایی، عدالت‌محوری، جاودانگی‌گرایی، عقل‌محوری و خرد‌گرایی، اعتدال‌گرایی، کمال‌طلبی، نظم‌گرایی، انسان‌گرایی متعالی، برابری‌گرایی، حق‌محوری و حقیقت‌گرایی، فضیلت‌محوری (تکیه بر ایمان، تقوا، عدالت، علم، جهاد و وحدت).

بابایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "مدنیت و معنویت در اربعین" ظرفیت‌های تمدنی اربعین را به بحث می‌گذارد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند: تمدن، نظام مناسبات و تعاملات میان انسان‌ها در کلان‌ترین سطوح اجتماعی است که در اشکال مختلف و نهادها مختلف اجتماعی نمود پیدا می‌کند. آنچه در همایش اربعین رخ می‌دهد، هم از نظر ایمانی و هم حبی و عشقی، کارکردهای تمدنی دارد. اربعین از یک‌سو حرکت و تمرینی ایمانی است که موجب افزایش ایمان می‌شود و نظام مناسبات انسانی را تنظیم می‌کند و در نتیجه باعث عمران و آبادانی جامعه مسلمین می‌شود. از سوی دیگر، در اربعین، با تأکید بر یک محبوب واحد، محبتی نسبت به همدیگر به وجود می‌آید و نظام مناسبات انسانی به شکل درستی سامان می‌یابد. صورت‌بندی چنین جامعه‌ای بر پایه معشوق و محبوب واحد باعث می‌شود «من»ها و منیت‌ها رنگ بیازند و همه به یک «ما» تبدیل شوند (وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک). به علاوه معشوق مشترک، باعث می‌شود افراد باهم مهربان‌تر و عاشق‌تر باشند (وحدت اجتماعی بر اساس عشق مشترک).

ابراهیم نژاد (۱۳۶۹) در مقاله‌ی "واکاوی مفهوم «تمدن نوین اسلامی» با رویکرد معناشناختی" به بررسی مؤلفه‌های تمدن و اسلامی شدن آن پرداخته و در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تقیّد تمدن به پسوند اسلامیت و نوین بودن گویای تقابل تمدن مزبور با تمدن غرب و تغایر آن با تمدن اسلامی است.

محمد رضا دهشیری (۱۳۹۴) نیز در مقاله "تمدن نوین اسلامی، بنیادها و چشم اندازها" پس از بررسی بنیادها و پیش‌نیازهای شکوفایی تمدن نوین اسلامی به این نتیجه می‌رسد که ویژگی‌های منحصر به فرد تمدن اسلامی که مشتمل بر فطرت انسان، فراگیری، چند مرکزیتی، تداوم و پویایی است موجب افزایش نقش تمدن نوین اسلامی در ورای مرزهای محلی و مستقل از دولت‌ها می‌شود. چنین روندی با افزایش اهمیت سیاسی دین در روابط بین‌الملل به افزایش تعاملات علمی و دینی و فرهنگی جوامع می‌انجامد که خود موجب تعامل فکری و فرهنگی اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام با یکدیگر و نیز با تمدن غربی می‌شود.

هرچند که درباره تمدن نوین اسلامی و نیز موضوع اربعین پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ لیکن تاکنون پژوهشی که به کارکرد پیاده‌روی اربعین با نگاه تمدن سازی بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری بپردازد انجام نشده است.

۳-۱- روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل مفهومی است که بر اساس سؤال و هدف اصلی تحقیق به صورت هدفمند هست. در این پژوهش ابتدا مفهوم تمدن اسلامی و تعاریف مربوط به آن‌ها نظیر مبانی، ویژگی‌ها و الزامات مورد بررسی قرار گرفته، سپس ظرفیت‌های اربعین به بحث گذاشته شده آنگاه شاخص‌ها و ویژگی‌های آن با فرمایشات مقام معظم رهبری تطبیق داده شده، جمع‌بندی صورت خواهد گرفت.

۲- مبانی نظری

پیاده‌روی اربعین، حرکتی است که از سال ۶۱ هجری آغاز شد "که برای اولین بار زائران شناخته شده حسین بن علی (جابر و عطیه) به کربلا آمدند... جابر با حضور و سخنرانی، خاطره حسین بن علی (ع) را زنده کرد و سنت زیارت قبر شهدا را پایه‌گذاری کرد. روز اربعین چنین روز مهمی است" (رهبری، ۱۳۹۵: ۴۷).

تعریف لغوی تمدن "civilization" (اکبری، ۱۳۷۰: ۱۴۲) از ریشه "مدن" به معنای "المدینه" و "الحضاره" یعنی شهرنشینی هست. (غفرانی و شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۰) "تَمَدَنٌ" یعنی "عاش عیشه اهل المدن و اخذ باسباب الحضاره" (انیس و همکاران، ۱۴۱۶: ۱۵۱)؛ یعنی زندگی شهرنشینی گزید و

لوازم شهریت را اتخاذ کرد و "لم تتمدن الشعوب" (سماحه^۱، ۱۳۸۳: ۱۵۱) مردم در شهر سکونت نگزیدند و سبک زندگی شهری را نگزیدند. در مجموع تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان است.

تعریف اصطلاحی، تمدن از جمله مفاهیمی است که هر چند که پیشینه آن به قرن‌های دور بازمی‌گردد، می‌توان نمونه اسلامی آن را از دوران نبوی دانست لیکن از نظر اصطلاح مفهومی نوین است. اصولاً این اصطلاح از قرن هجدهم و در عصر روشنگری پدید آمد و کم‌کم در جوامع بشری با تعاریف گوناگون مطرح شد. برخی بدان نگاه صرفاً سیاسی یا فرهنگی، اقتصادی و یا اجتماعی داشته‌اند، برخی تمام این جوانب را در تعریف خود از تمدن لحاظ کرده‌اند. بعضی تمدن را دارای دو بعد مادی و اخلاقی می‌دانند که به یک جامعه فرصت می‌دهد برای هر فردی از افراد خود، در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی، از کودکی تا پیری همکاری لازم را برای رشد به عمل آورد. (ایولاکوست^۲، ۱۳۶۳: ۸) (ولایتی و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۱: ۸) هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد. وی تمدن را بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین واحد اجتماعی می‌داند که بر دیگر واحدهای اجتماعی مانند فرهنگ، ملت، دولت و غیر آن سایه انداخته و بر آن تأثیر می‌گذارد. (هانتینگتون^۳، ۱۳۸۲: ۴۲) از نظر توین بی، تمدن، عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشر بتوانند باهم نوایی در کنار یکدیگر درون آن زندگی کنند (توین بی^۴، ۱۳۷۶: ۴۸). از دیدگاه "ویل دورانت" تمدن نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به‌منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب، رسوم و هنر دست به ابداع و خلاقیت می‌زند. نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگهدارنده آن می‌باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند. شریعتی تمدن را به معنای کلی، مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی انسان می‌داند (به نقل از ولایتی و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳ و ۹)

امام خمینی (ره) مهم‌ترین عنصر تمدن را در بعد معنوی؛ یعنی توان انسان‌سازی آن می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۳۶۸) آیت‌الله جوادی، تمدن را فرآیندی می‌داند که بر اساس رشد مداوم در ابزار و روابط

1 samaha

2 Ivlacost

3 Huntington

4 Toynbee

مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی است و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۱۳) ابن خلدون از تمدن با واژه "الحضاره" در برابر "البدایه" یعنی بادیه‌نشینی و به مفهوم مجموعه شهرها، قریه‌ها، منازل مسکونی، سازه‌ها و مظاهر پیشرفت علمی و ادبی یاد می‌کند؛ از نظر او جامعه‌ای که از ساختارهای مناسب نظم‌پذیر حکومتی و نظارت بر آن برخوردار بوده، زندگی فردی در آن به صورت زندگی شهرنشینی همراه با تعالی فضائل و ملکات نفسانی همچون علم و هنر باشد جامعه‌ای متمدن؛ یعنی دارای "مدنیت" است. (ابن خلدون، ۱۳۹۵: ۲۹۴) از نظر مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی دارای شاخصه‌هایی همچون ایمان، علم، اخلاق و مجاهدت است که نقطه رهایی از تمدن مادی ظالمانه غرب می‌باشد. (رهبری: ۱۳۹۲/۲/۹)

۲-۲- رابطه تمدن با فرهنگ، اخلاق و دین

در رابطه با تمدن تعاریف گوناگون مطرح شده که به بخشی از آن اشاره شد. در مجموع هرچند که برخی تمدن را صرفاً در پیشرفت و توسعه فیزیکی تعریف کرده‌اند؛ لیکن در نگاه اندیشمندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان به وجه نرم‌افزاری آن در قالب فرهنگ، اخلاق، معنویت و نظایر آن توجه کرده‌اند؛ زیرا برای مثال فرهنگ را شامل مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، آداب و اخلاق فردی و خانوادگی اقوامی دانسته‌اند که پایبندی ایشان بدین مفاهیم اسباب تمایز آن‌ها از دیگر اقوام و قبایل خواهد بود و فرهنگ یعنی "culture" در ادبیات لاتینی به مفهوم پرورش نفس آمده و در زبان یونانی باستان فقط مفهوم پرورش از آن برداشت می‌شود. (ولایتی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۸-۹) ولایتی چنین می‌افزاید: "با وجود ارتباط فرهنگ و تمدن این دو لازم و ملزوم یکدیگر نیستند برای مثال بومیان استرالیا و آفریقا تمدنی ندارند؛ ولی دارای فرهنگ بومی یعنی مجموعه‌ای از باورها، آداب، رسوم و سنت‌ها هستند. (ولایتی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۳-۲۲) زیرا فرهنگ مجموعه باورهای فردی یا گروهی خاص است و چون باورها ذهنی‌اند پس فرهنگ جنبه عینی ندارد درحالی‌که تمدن باید عینی باشد. (ولایتی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۹) درعین حال وی تمدن را حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی دانسته می‌افزاید: در هر جامعه‌ای که اخلاقیات رشد کند جلب اعتماد و زمینه ارتباطات فراهم می‌شود و سپس فرهنگ نمایان می‌گردد... اگر در جامعه‌ای متمدن و متکی به قانون، فرهنگ از میان برود و یا سیر نزولی بیابد آن تمدن، پویایی خود را از دست می‌دهد زیرا "تمدن بی‌هدف، به بی‌قیدی و لابلالی‌گری می‌انجامد. آنگاه در جامعه‌ی بی‌فرهنگ یا متکی به فرهنگ منحط، برآیند تضاد این دو مقوله، یعنی لابلالی‌گری و ضرورت رشد و تعالی اقتصادی به پیروی از غرایز و

لذا بد می‌انجامد و در این راه اگر قانون و مدنیت مانع باشد، آن قانون خود فرومی‌ریزد یا قانون و تمدن و ادار به پذیرش ردایل و قبیح می‌شوند؛ وضعیتی که اینک در بسیاری از کشورهای غربی دیده می‌شود." (ولایتی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۱۲). "دین اسلام به سبب ویژگی‌های الهی خود توانست مایه‌ی تجانس عناصر نامتجانس نژادی و قومی در حوزه تمدنی شود و زمینه را برای بروز و درخشش استعدادها فراهم آورد. همین عامل دین اسلام، تمدنی را شکل داد که به‌رغم وجود عناصر نامتجانس از شرق و غرب آن روزگار، نه شرقی محسوب می‌شد و نه غربی بلکه هویت و ویژگی‌اش اسلامی بود." (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۱) هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد. (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۴۸) ویل دورانت نیز چهار رکن اصلی تمدن را در پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر می‌داند. (دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳)

از نظر مقام معظم رهبری پیشرفت مقدمه تمدن است که باید در چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت صورت گیرد. (سایت رهبری) مبنای دینی تمدن از نظر ایشان: "هر جامعه‌ای، هر امتی که بر روال دین حرکت نکند و بر طبق دین حرکت نکند نابود خواهد شد؛ نه این که آدم‌ها همه خواهند مرد. نه نابود شدن به معنای نابود شدن تشکیلات ملی آن‌هاست. جذب می‌شوند، حذف می‌شوند؛ جذب ملت‌های دیگر می‌شوند؛ ملیتشان اصلاً از بین می‌رود. امروز شما ملیت کلدی را معین کنید کجاست؟ ملیت آشور را... ملیت بابل را، این تمدن‌های بزرگ، اولین تمدن‌های بشری، کجا هستند؟ کجا هستند؟" فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین" (ال عمران/ ۱۳۷) (رهبری، ۱۳۹۶: صص ۲-۴۱۱).

۳-۲- تمدن نوین اسلامی

از آنجاکه تمدن‌ها یک‌شبه و به‌یک‌باره پدید نیامده‌اند، بلکه مبتنی بر اندیشه‌ها، اهداف، نیازها و ضرورت‌هایی بنا شده‌اند که وجه تمایز آن‌ها از یکدیگر نیز غالباً از این‌رو صورت می‌گیرد، بنا بر گفته ویل دورانت "تمدن نه امری است که جلی انسان باشد و نه چیزی که نیستی در آن راه نداشته باشد، بلکه امری است که هر نسلی باید به شکلی جدید آن را کسب کند، هرگاه توقف فراوانی در آن پیش آید ناچار پایان آن نیز فرامی‌رسد." (دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱، ۷) بنابراین هدایت یک جامعه به سوی تمدنی کارآمد و

پاسخگو نیازمند فرهنگی غنی و فراگیر است که تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی جامعه را در برگیرد. از سویی متناسب با فطرت، در نتیجه پایدار و بدون افول و مبتنی بر مکتب وحی باشد تا بتواند استمرار و اقتدار خود را در تمام عصرها و نسل‌ها حفظ کند، مکان شمول، زمان شمول و انسان شمول باشد به گونه‌ای که دیگر ملت‌ها به راحتی پذیرای آن باشند. این تمدنی است که انبیاء الهی آورده‌اند، تکامل یافته آن تمدن نوین اسلامی است. شهید مطهری می‌گوید: "ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدن عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی را به وجود آوردند." (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۴-۱۳) سید حسن نصر کامل‌ترین الگوی تمدنی برای تمدن اسلامی را جامعه مدینه النبی و معیارهای آن می‌داند. (نصر، ۱۳۸۳: ۲۶۸) حال آنکه بررسی جامعه "مدینه النبی" و تجربه تمدن‌های اسلامی بعد از آن تا به امروز نشانگر آن است که رفتار عادلانه و همراه با کرامت حاکمان آن نسبت به تمامی شهروندان سبب شده تا غیرمسلمانان اهل کتاب و غیر آنان همه به پاسداشت و حفظ و نشر فرهنگ اسلامی بپردازند و گواه امروزی آن شهادت و جانبازی شماری از اهل کتاب ساکن ایران در جریان هشت سال دفاع مقدس و حمایت شخصیت‌های فرهیخته ایشان از نظام جمهوری اسلامی در داخل و در مجامع بین‌المللی و نیز حضور آنان در پیاده‌روی اربعین است. مقام معظم رهبری درباره تمدن اسلامی می‌فرماید: "داعیه ما ایجاد تمدنی است متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی بر تعالیم الهی و متکی به هدایت الهی." (۱۳۹۱/۱/۷) ایشان در رابطه با فطری بودن تمدن الهی و اسلامی گویند: اول شرک بود بعد توحید پدید آمد. در حالی که می‌بینیم که از روزگار قدیم، از دوران باستان توحید بوده است. (همان، ۱۳۹۶: ۴۱۳). از آنجاکه به رغم تفاوت شریعت، دین تمامی انبیاء الهی اسلام است که "ان الدین عندالله الاسلام" (ال عمران ۱۹) چهره کامل آن را پیامبر خاتم آورد که معارفی در قالب وحی قرآنی و شرح و تبیین آن در قالب وحی بیانی و سنت معصومین (ع) آمده است از این رو تمدن نوین اسلامی تنها تمدن پاسخگوی نیاز زندگانی بشر است لذا بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری هنگامی که اسلام به اروپا رسید با پیدایش تمدن نوین اسلامی همه چیز اروپا در مقابل آن رنگ باخت زیرا جوهره این تمدن بزرگ از مکتب اسلام بود. تمدن اسلامی با بکار گرفتن علم، کشف حقایق درجه یک عالم وجود و استخدام اندیشه‌ها، ذهن‌ها و فعالیت‌های عظیم علمی توانست دانشگاه‌های بزرگ را در مقیاس جهانی ایجاد کند و ده‌ها کشور ثروتمند و مقتدر و یک قدرت سیاسی بی‌نظیر را در طول تاریخ پدید

آورد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۶/۲۹) و "در مقابل آیین مسیحیت که اغلب در ماجرای استعمار غرب عامل منازعه قرار می‌گیرد، اسلام خود را با خواسته‌های آزادیخواهانه، عدالت‌جویانه و استقلال طلبانه ملت‌ها همراه می‌سازد. بازگشت به میراث فرهنگی خویش، تکریم گذشته و زبانهای ملی و در یک کلام احیای فرهنگ ملی، پادزهری در مقابل "بی‌هویتی" امپریالیسم و مکملی ضروری برای استقلال سیاسی و اقتصادی است. (میکل، ۱۳۸۱: ص ۶۳۲)

۴-۲- ضرورت ایجاد تمدن اسلامی

مقام معظم رهبری درباره ضرورت بر پا داشتن تمدن الهی- اسلامی بر آن است که چون کاروان جهان (خورشید، کهکشان، زمین و...) جهت واحدی دارد و فقط انسان است که به دلیل اختیار و اراده، می‌تواند راه خودش را عوض کند چون این‌جور است لازم است قانونی برای او معین بشود؛ خط سیری برای او مشخص بشود تا در مسیر کاروان حرکت کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۶۴)... این قانون "حق" نام دارد. حق یعنی قانونی که منطبق است با سرشت عالم، و چون با سرشت عالم و جهان منطبق است با سرشت انسان نیز منطبق است؛ چون انسان یکی از اجزای عالم است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: صص ۵-۳۶۴) و پیاده‌روی اربعین یعنی لیبک عملی به دعوت به حق و صاحب آن دعوت، حسین بن علی (ع) یعنی "لیبک داعی الله".

۴-۵- تفاوت تمدن توحیدی و غیرتوحیدی با توجه به اهداف آن‌ها

پشتوانه ساخت هر تمدن، هدف یا اهداف خاصی است که ارزش آن کار را مشخص و انسان‌های دارای اهداف مشترک را دور یکدیگر گردآورده تا جهت دستیابی بدان برنامه‌ریزی و اقدام کنند. تمدن اسلامی نیز از این مستثنی نیست. مقام معظم رهبری بر این باورند که اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی در نظر بگیریم... هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. این محاسبه‌ی درستی است. (خامنه‌ای: ۱۳۹۱/۷/۲۳) رهبری انقلاب این تمدن را به دو بخش تقسیم می‌کنند:

الف: بخش ابزاری یا سخت‌افزاری

از نظر رهبری "بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم؛ علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این هم بخش ابزاری "تمدن" است. وسیله است." (خامنه‌ای: ۱۳۹۱/۷/۲۳) از این سخنان چنین برمی‌آید که امام خامنه‌ای به‌رغم اقدامات علمی و فناوری انجام‌شده آن را تنها در حد ابزاری برای رسیدن به هدف می‌داند حال آنکه در تعریف دیگران موفقیت در این محورها دستیابی به شاخص‌های تمدنی است. چراکه هدف در ایدئولوژی مادی‌گرا دسترسی همگان به امکانات رفاهی است و برای زندگی انسان تا هنگام مرگ برنامه‌ریزی می‌شود؛ اما در ایدئولوژی الهی و توحیدی این‌ها ابزاری برای رسیدن به دو هدف والا و مقدس یعنی رسیدن به "مقام خلیفه‌اللهی" و "کمالات انسانی" است با همین نگرش بخش دوم تعریف می‌شود.

ب: بخش متنی، اصلی، حقیقی و نرم‌افزاری تمدن

تعریف این بخش در کلام رهبری چنین است: "اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است. مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک..." (رهبری: ۱۳۹۱/۷/۲۳) چنانکه مشاهده شد رهبر انقلاب هر آنچه در دایره فرهنگ به مفهوم گسترده و عام آن می‌گنجد همه را بخش اصلی و متن تمدن اسلامی می‌شمارند که ریشه در آموزه‌های "ثقلین" دارد و در کتب روایی با عنوان "کتاب العشره" آمده است و در حقیقت نحوه زندگی انسانی-اسلامی به مفهوم واقعی و عقل معاش در تمامی ابعاد آن را شامل می‌شود. با این تعریف است که ایشان خطاب به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند: "همه‌چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست؛ حاشیه و ذیل سیاست نیست؛ اقتصاد و سیاست ذیل فرهنگ‌اند." (رهبری: ۱۳۹۲/۹/۱۹)

رهبری اختلاف میان دو نگرش نسبت به تمدن را در تفاوت اهداف آن‌ها می‌داند: "مکتب‌های مادی می‌گویند دنیا را آباد کنیم؛ جامعه عالی درست کنیم؛...جامعه‌ای که در آن ظلم نباشد؛ طبقات نباشد... خیلی خوب درست کردیم حالا انسان می‌خواهد در این جامعه چه کار کند؟ جواب ندارد. در این جامعه انسانیت می‌خواهد به کجا برسد؟ پاسخی ندارند...انسان برای فقط زندگی راحت یعنی راحت به دست آوردن و راحت خوردن و راحت پس دادن باید مجاهدت کند؟ اینجاست که کمیت مکاتب مادی لنگ است.

مکاتب الهی می‌گویند نه هدف بعد از این است. هدفِ عالی پیراسته شدن انسان است. هدف عالی انسان شدن بنی‌آدم است. بنی‌آدم غیر انسان است. (رهبری، ۱۳۹۶: ص ۳۸۱)

۶-۲- عوامل شکل‌گیری تمدن اسلامی

ویژگی‌هایی چند در کنار یکدیگر می‌توانند عوامل اصلی شکل‌گیری، زایش و اعتلای تمدن‌ها باشند. بعضی آن را در چهار محور محدود ساخته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. عوامل اقتصادی نظیر شکار، کشاورزی و فعالیت‌های اقتصادی صنعتی و خدمات
 ۲. عوامل سیاسی شامل ساختارهای سیاسی حکومت، دولت، قوانین و خانواده
 ۳. عوامل اخلاقی شامل مواردی همچون ازدواج، اخلاق جنسی، اخلاق اجتماعی و آداب دینی
 ۴. عوامل عقلی و روحی شامل ادبیات، علم و هنر (دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱: ص ۹)
- تعاریف دیگران از عوامل تمدن ساز گاه از این کلیت بیرون آمده و مسائلی افزون بر آنچه گفته شد را بیان می‌دارند. از نگاه آنان قرار گرفتن ویژگی‌هایی در کنار یکدیگر می‌تواند عوامل کلی شکل‌گیری تمدن باشند که عبارت‌اند از:

۱. امنیت و آرامش یعنی مکانی برای کاهش اضطراب و نگرانی‌های جامعه
۲. غرور و همبستگی ملی
۳. همکاری و تعاون
۴. اخلاق
۵. بردباری و صبوری
۶. حفظ وحدت و یکپارچگی و عدم انفکاک و تجزیه‌طلبی
۷. دین

برخی دو ویژگی دیگر؛ یعنی رفاه نسبی و فشار اقتصادی - اجتماعی را نیز به‌عنوان ویژگی‌های ضروری در امر تمدن‌سازی بدان می‌افزایند. (ولایتی، ۱۳۹۲، ج ۱: ص ۱۱) که به نظر می‌رسد این‌ها عوامل تمدن‌ساز نیست بلکه می‌تواند از عوامل انگیزه‌ساز و مؤثر در موفقیت و تحقق آن به‌شمار آید.

بعضی صاحب‌نظران از ارکان و اصول ایجاد تمدن اسلامی سخن گفته‌اند و آن را در خداشناسی، مقام خلیفه الهی انسان، انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، سیاست و اخلاق و معرفت‌شناسی منحصر

کردند. (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۲۲۸) و بعضی دیگر مبانی تمدن از نظر اسلام را در محورهای توحید گرای، عدالت‌پروری، جاودانگی گرای، عقل‌گرایی و عقلانیت محوری، اعتدال‌گرایی، کمال‌گرایی یعنی اعتقاد به کمال فرد و جامعه، نظم‌گرایی (گرایش به نظم در هستی و امور)، انسان‌گرایی متعالی، برابری گرای (اصل مساوات و برابری آدمیان)، حق‌گرایی و حقیقت‌جویی، فضیلت‌گرایی بیان کرده‌اند. (جمشیدی، ۱۳۹۴: صص ۷۵-۵۱) بعضی پژوهش‌ها نیز مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری همچون کرامت‌انسانی، علم و معرفت، عدالت‌گستری، عزت، ولایت، آزادی، استقامت و مقاومت، اصلاح‌طلبی، استقلال و اخلاق عمومی را بیان کرده‌اند (آرانی، ۱۳۹۴: صص ۶۴-۷۸).

۷-۲- مبانی و اصول تمدن اسلامی

هرچند که تبیین مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، الزامات تمدن اسلامی به‌ویژه از دیدگاه رهبری ضروری می‌نماید؛ لیکن به جهت محدودیت پژوهش تنها به مبانی و اصول پرداخته می‌شود. اصول جمع " اصل "به معنای ریشه‌ها، پایه‌ها و اساس می‌باشد (معین، ۱۳۵۷: ذیل واژه اصل) و مبانی جمع " مبنی "به معنای شالوده، اساس و بنیان است. مبانی در حقیقت نوعی جهان‌بینی و جهان‌نگری ایجاد گر بایدها و نبایدها تأثیرگذار است و در صورت بخشی به ارزش‌ها، در زندگی افراد و در ساختار تمدن‌ها نقش اساسی دارد. تفاوت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در ابتدا به تفاوت مبانی و اصول آن باز می‌گردد و وجه متمایز اصلی تمدن اسلامی و توحیدی با دیگر تمدن‌ها نیز از همین‌جا نشأت می‌گیرد. بر اساس نگرش افراد مبانی دارای اقسامی است که در یک نگاه کلی به مبنای دینی و غیردینی و توحیدی و غیرتوحیدی قابل تقسیم است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: "آنچه اندیشه‌ای را دینی می‌کند مبانی است نه موضوعات، چنانکه اگر کسی حقوق بشر در اسلام را با مبانی انسان‌محوری که به‌ظاهر دارای مبانی غیردینی است توضیح دهد آنچه حاصل می‌آورد اسلامی نخواهد بود منتها موضوعش یکی از موضوعاتی است که در اسلام مطرح است... بنابراین مبانی اصیل‌اند و اندیشه‌های دینی و غیردینی را باید در مبانی جستجو کرد و نه در موضوعات آن‌ها." (قادری، ۱۳۹۵: ص ۱۹۲)

از نظر مقام معظم رهبری پیشرفت مقدمه‌ساز تحقق تمدن اسلامی در چهارپایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶) همان‌گونه که مشاهده گردید در مورد مبانی و اصول تمدن نوین اسلامی و نیز مؤلفه‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده آن مطالب زیادی گفته شده است. در حقیقت مبانی تمدن نوین اسلامی را ایدئولوژی مبتنی بر فرهنگ قرآن و عترت یعنی توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت

تشکیل می‌دهد. همان‌که با ندای فطرت خداجوی انسان‌ها در تمامی ادیان الهی است و امروز پیاده‌روی اربعین به نمادی از آن تبدیل شده شیوه تجلی این مناسک و این اصول پنج‌گانه می‌باشد و در کلام رهبری این نگرش مشهود است که به تفصیل و تفکیک بدان پرداخته می‌شود.

۳- نقش پیاده‌روی اربعین در ایجاد تمدن نوین با توجه به دیدگاه مقام معظم رهبری

در این بخش ضمن بررسی پیاده‌روی اربعین به ظرفیت‌های آن در ایجاد تمدن اسلامی با توجه به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مطالبی مطرح خواهد شد.

۳-۱- ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین در جهت تمدن اسلامی

۱. اربعین بازگشت و حرکت بشریت به سوی الله و ایمان به او

پیاده‌روی اربعین در حقیقت سیر میان "انا لله" و "انا الیه راجعون" است. پژواک ناله بندگانی است که از نیستان توحید بریده شده‌اند و در غوغای مدرنیته راه گم کرده و به کثرت دچار شده‌اند و امروز جهت خود را یافته‌اند و به سوی آن شتابان در حرکت‌اند. از ابتدای خلقت هدف‌گذاری مسلمانان و غیرمسلمانان به سوی کعبه بوده است؛ خانه‌ای که آغاز و منشأ خلقت است و در روز "دحوالارض" تجلی کرد. خانه‌ای که همه از دور و نزدیک به سوی آن روان‌اند. "و اذن فی الماس بالحج..." (حج/۲۷) مکان مقدسی که ابراهیم (ع) آن را با همکاری اسماعیل بازسازی کرد. مکانی که بستر تمدنی عظیم در تاریخ بشری گردید. در برهه‌ای از تاریخ رویکرد موحدان به سوی بیت‌المقدس منعطف شد که آن هم خانه خداست. "فاینما تولوا فثم وجه الله" (بقره/۱۱۵) و زمانی به بقیع و امروز به نجف و کربلا. لذا پیاده‌روی از ابتدای خلقت به سوی خداوند و به سوی نبی یا سوی ولی بوده است چراکه مهم "وجه الله" است که انسان‌های طالب حقیقت بدان جذب می‌شوند. آری "مغناطیس پرجاذبه حسینی، اولین دل‌ها را در اربعین به سوی خود جذب کرد و سرآغاز حرکت پربرکتی بود که در طول قرن‌ها تا امروز پیوسته و پی‌درپی این حرکت، پرشکوه‌تر، پرجاذبه‌تر و پرشورتر شده است." (خامنه‌ای ۱/۱۱۳۸۵) کانون و مقصد پیاده‌روی اربعین کربلاست. "آنجا کعبه‌ی دل‌هاست." (رهبری: ۱۳۷۸/۸/۲۳) در حقیقت در پیاده‌روی خروج از ظلمت به سوی نور است؛ ظلمت جاهلیت اولی و جاهلیت مدرن به سوی نور هدایت الهی یعنی حرکتی که امام حسین (ع) و زینب کبری (س) و بعد از آن‌ها امروز در پیاده‌روی اربعین مشاهده می‌کنیم. چراکه ویژگی ثاراللهی امام حسین (ع) این حرکت را نه تنها به نور بلکه به نورعلی نور تبدیل کرده است که

"یهدی الله لنوره من یشاء" (نور/۳۵) پس همه ادیان بر اساس عبارت وحدت‌آفرین "قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم" (ال عمران/۶۴) به‌سوی کلمه مشترک و نیز به‌سوی "الکلم الطیب" که همان وحدت، کلمه توحید و توحید کلمه و اشتراک میان ادیان است روی می‌آورند.

۲-۳- اربعین آشنایی با معرف منجی آخرالزمان

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد اربعین صرفاً منحصر به شیعه نیست بلکه بیداری امت‌ها و حرکت آن‌ها به‌سوی صراط مستقیم است؛ حرکت به‌سوی رشد و تعالی است و این مقدمه ظهور منجی است. همان‌که همه ادیان آن را فریاد می‌زنند؛ مسیحیت، یهودیت، بودائیان و غیر آنان و هالیوود برای پاسخگویی به این عطش و طلب فیلم‌هایی با موضوع منجی آخرالزمان می‌سازد و همه یک پیام و یک ندا دارند که منجی خواهد آمد؛ اما آنکه بیش از همه منتظر است همان منتظر حقیقی یعنی حضرت مهدی (ع) است که برای نجات بشریت از سرگردانی و جهالت رو به درگاه خداوند آورده و مصرتر از او در جهان نیست. اربعین در حقیقت حرکت توده‌ای انسان‌ها به‌سوی خداوند و به‌سوی امام است؛ امامی که منجی به‌هنگام ظهور، خود را با او تعریف می‌کند و او معرف منجی است، آنگاه که می‌فرماید: یا اهل العالم ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً" (حائری، ۱۴۲۲، ج ۲: ص ۲) اربعین فرصت پانهادن انسان‌های طرفدار آزادی و آزادگی در مکانی است که خداوند اجازه داده در آن نام او و نام ولیش به شرافت و بزرگی یاد شود "فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ" (نور/۳۶) مقام رهبری در این‌باره می‌فرماید: "نام امام حسین (ع) را خدا بزرگ کرده و حادثه کربلا را در تاریخ نگه داشته است." (رهبری، ۱۳۸۵: ۸۳)

۳-۳- اربعین عامل حرکت به‌سوی پیشرفت و تمدن اسلامی

از نظر مقام معظم رهبری پیشرفت: "پیشرفت حرکت است، راه است، صیورت است؛ اما متوقف شدنی نیست و همین‌طور ادامه دارد؛...پیشرفت در مفهوم اسلامی با پیشرفت یک‌بعدی یا دوی‌بعدی در فرهنگ غربی متفاوت است؛ چندبعدی است. یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن." (رهبری: ۱۳۹۱/۷/۲۳) پیاده‌روی اربعین فرصتی برای اصلاح سبک زندگی و تمرین رفتار صحیح و انسانی اجتماعی و بازنگری در شیوه زیستن و آمادگی برای بنیان نهادن تمدنی اسلامی است. رهبری در مورد نقش زنده نگه‌داشتن نام حسینی چنین گویند: "اگر پیام امام حسین (ع) را زنده نگه می‌داریم اگر نام امام حسین (ع) را بزرگ می‌شماریم اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می‌دانیم، بر آن ارج می‌نهیم برای این است که یادآوری این حادثه به ما

هم جبهگی ده‌ها میلیون انسان را رقم زده مقاومت در برابر غیر یعنی استکبار را فراهم می‌سازد بلکه زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی به گستره جهانی خواهد شد.

۶-۳- اربعین محور وحدت و همبستگی

درباره عوامل وحدت‌آفرین و انسجام بخش در جوامع دینی نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. در این میان دو نظریه که یکی انسجام بر اساس دوست مشترک و دیگری انسجام بر اساس دشمن مشترک است درخور توجه‌اند. انسجام بر اساس دشمن مشترک متعلق به "رنه ژیرارد" (Rene Girard) است وی... به صلیب کشیدن و کشته شدن عیسی مسیح را مایه انسجام اجتماعی می‌داند... در برابر این نظریه با تأکید بر محبوب و معشوق مشترک و همین‌طور باتجربه مشترک حبی و عشق به آن محبوب واحدی توان عشقی به یکدیگر به وجود آورد و یک نظام مناسبات انسانی بر پایه محبت را ایجاد کرد... که باعث می‌شود "من‌ها" و "و" منیت‌ها "رنگ ببازند و همه به یک "ما" تبدیل شوند، آنگاه به وحدت اجتماعی برسند. (بابایی، ۱۳۹۴: ص ۵۰) و امروز هم هرچند که "شروع جاذبه مغناطیس حسینی در روز اربعین است (که) جابر بن عبدالله را از مدینه بلند می‌کند و به کربلا می‌کشد این همان مغناطیسی است که امروز هم با گذشت قرن‌های متمادی در دل من و شما (و دیگر زائران حسینی) است." (خامنه‌ای: ۱/۱/۱۳۸۵)

۷-۳- اربعین الگوی جامعه توحیدی و عدالت محور و نفی طبقات اجتماعی

تمدن اسلامی تمدنی بدون طبقات اجتماعی است. رهبری در این باره می‌فرمایند: "این جامعه‌ای که در آن تبعیض است، ظلم هست، نابسامانی است، نامردی هست، بایستی عوض بشود و تبدیل بشود به یک جامعه توحیدی." (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۵۹) اما جامعه توحیدی... یک جامعه بی طبقه است؛ یک جامعه‌ای است که گروه‌های انسان‌ها در آن جامعه از یکدیگر برحسب حقوق و مزایا جدا نشدند... این همان است که در مدینه النبی و نیز در حکومت علوی به چشم می‌خورد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۵۸) زندگی بدون دعوت‌نامه و به دور از تشریفات و تجملات میلیون‌ها نفر در پیاده‌روی اربعین نمونه جامعه فاقد طبقات و عدالت محور است. در این جریان بی‌نظیر کسی از فقدان غذا و سرپناه رنج نمی‌برد. افراد در آن یا خادم‌اند و یا مخدوم. مخدومانی که شرمسار از ایثار خدمتگزاران به خودمی باشند و خادمینی که ملتسمانه

از میهمانان اجازه خدمت می‌خواهند. خادم و مخدوم هر دو در جذبہ حسینی و شکوه عظمت او ذوب شده‌اند و هیچ‌یک از زبان، ملیت، دین و نژاد دیگری سؤال نمی‌کند. از این روست که اربعین قطعه‌ای از تمدن اسلامی به شمار می‌آید؛ قطعه‌ای محدود از حیث زمان و مکان و نامحدود از حیث عظمت و شکوه.

۸-۳- اربعین الگوی تمدن اسلامی برای تمامی جهان بشریت

مقام معظم رهبری در وصف تمدن اسلامی می‌فرماید: "جامعه اسلامی یعنی آن جامعه‌ای، آن تمدنی که در رأس آن جامعه خدا حکومت می‌کند... در به اصطلاح مخروط اجتماعی، در رأس مخروط خداست و پایین‌تر از خدا، همه‌ی انسانیت و همه‌ی انسان‌ها" (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۵۱۶) ایشان می‌افزاید: "پیغمبر بی‌جهت حرکت نمی‌کند. آنچه او می‌بیند از وضع موجود زمان خود، وضع باطل و برخلاف فطرت انسانی و جهانی است." (همان: ص ۳۶۲) سخنان رهبری نشانگر آن است که تمدن اسلامی تمدنی به وسعت تمام جامعه بشری است. انتظاری در این مورد چنین گوید: "آنچه تحت عنوان جهانی‌شدن در جهان رخ داده است در واقع هجوم جدیدی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در ادامه مدرن‌سازی است که "گیدنز" از آن تحت عنوان "مدرنیته متأخر" یاد می‌کند... عملکرد قطبی در قالب جهانی‌شدن موجبات هم‌انفعال و هم‌مقاومت در برابر آن را فراهم کرده است. مواجهه جوامع با آن نیز در صورت متفاوتی صورت گرفته است؛ برخی جوامع به‌ظاهر به‌سرعت جهانی شده‌اند. انفعال در جوامعی رخ داده است که ذخایر تمدنی لازم برای مقاومت برخوردار نبودند برعکس مقاومت در جوامع با ذخایر تمدنی و دینی قوی شکل گرفته است دو نوع مقاومت در این جوامع قابل مشاهده است؛ نوع اول، خشونت است که به شکل تروریسم طالبان و داعش قابل مشاهده است؛ نوع دوم، فراملی کردن یا به اصطلاح جهانی‌سازی ذخایر تمدنی و دینی است. یکی از این ذخایر تمدنی و دینی که بسیار استعداد فراملی شدن را داشته است زیارت اربعین بوده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۶۰-۵۹)

۹-۳- اربعین رسانه‌ای جهت تمدن نوین اسلامی

غرب با توسل به فناوری اطلاعات و ارتباطاتی که تحت کنترل خود دارد توانسته است به جهانی‌سازی خود اهتمام ورزد. در جهانی که قطب غرب با توسل به امکانات رسانه‌ای خود از فراملی شدن ذخایر تمدنی جهان اسلام جلوگیری می‌کند زیارت اربعین خود به رسانه‌ای نوین تبدیل شده است. زیارت اربعین به دلیل ماهیت حسینی و زینبی‌اش فی‌نفسه به دستگاه عظیم رسانه‌ای تبدیل شده است. (انتظاری،

۱۳۹۶: ص ۶۱)

مقام معظم رهبری درباره اهمیت رسانه و تبلیغات در تبیین واقعیت کربلا چنین می‌فرماید: " آن روزها هم مثل امروز قدرت‌های ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت‌آمیز می‌کردند." (خامنه‌ای: ۱۳۶۸/۶/۲۹) درسی که اربعین به ما می‌دهد این است که باید یاد و خاطره شهادت را در مقابل تبلیغات دشمن زنده نگه داشت... میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است." (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۶/۲۹)

۱۰-۳- اربعین فرصت اصلاح سبک زندگی و تمرین برای حیات طیبه

یکی از ابعاد پیشرفت و دستیابی به تمدن با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی. مقام معظم رهبری می‌فرماید: " اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است؛ رفتار اجتماعی است؛ اخلاق عمومی است؛ فرهنگ زندگی است." (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۱۷) و راهپیمایی اربعین فرصتی برای آموزش، تمرین، تجربه و اصلاح سبک زندگی است.

۱۱-۳- اربعین الگوی جمع میان دو بعد مادی و معنوی

توجه به دو بعد مادی و معنوی در تمدن اسلامی از جمله مسائلی است که در فرمایشات مقام معظم رهبری بر آن تأکید شده است. در قرآن کریم آمده است که "ابتغ فیما اتیک الله الدار الاخره ولاتنس نصیبک من الدنیا" (قصص/۷۷) رهبری ضمن تأکید بر این مطلب که بعد معنوی یعنی رسیدن به رستگاری، فلاح و نجات است و بعد مادی یعنی برخورداری از زندگی راحت و امنیت روانی و اخلاقی می‌فرماید: "اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد هم قدرتمند باشد... پس در درجه‌ی اول نیاز تمدن اسلامی به ایمان است." (خامنه‌ای: ۱۳۹۱/۷/۲۳)

۱۲-۳- اربعین حیات و امتداد نهضت عاشورا تا دوران ظهور

"این اتصال یعنی دقیقاً همان چیزی که ملاصدرا برای حرکت جوهری بیان کرده است. حرکت جوهری قائل به اتصال حقیقی موجود متحرک است. در این پدیده نیز با اتصالی مافوق تصور در قبل و حال و بعد تاریخ مواجه هستیم. با این پدیده عاشورا به زمان حال ما و از این نقطه به آینده ظهور اتصال پیدا می‌کند و در یک نقطه و آن، می‌توان تمام آنات تاریخ را باهم مشاهده نمود. (حبیبی، ۱۳۹۶: ص ۸۵) مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: "اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن آغاز شد. سیره آن شهیدی درس می‌شود که شهادت او و مظلومیت او را نسل‌های معاصر و آینده بدانند و

بشنوند. آن شهیدی درس و اسوه می‌شود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر شود." (۱۳۶۳/۸/۳۳)

۱۳-۳- اربعین‌الگوی نجات‌بخش تاریخ

بررسی تاریخ نشانگر آن است که افشاگری‌های ال‌الله پس از جریان عاشورا تا اولین اربعین حسینی(ع) تا به امروز سبب شکل‌گیری قیام‌ها و نهضت‌های بسیار گردیده است و استمرار اربعین به تداوم آن در آینده کمک خواهد کرد. مقام معظم رهبری درباره آن می‌فرماید: "ماجرای امام حسین (ع) نجات‌بخشی یک ملت نبود؛ نجات بخشی یک امت نبود؛ نجات بخشی یک تاریخ بود." (خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۲/۱۸) و امروز نظام اسلامی که زمینه‌ساز تمدن اسلامی است ثمره مجاهدت و شهادت امام حسین (ع) است و اربعین تکرار و پژواک آن قیام می باشد. (همان، ۱۳۹۵: ص ۱۷)

۱۴-۳- اربعین میعادگاه شیعیان جهت مقدمه سازی تشکیل نظام اسلامی

در طول تاریخ، انسان‌ها با اهداف گوناگون (حق یا باطل) برای خود مکان‌هایی را در نظر می‌گرفتند. از دارالندوه تا سقیفه بنی ساعده و نادی‌های قریش، از عرفات و مشعر تا سازمان ملل و مانند آن. اربعین نیز مکان گردآمدن میلیون‌ها انسان به‌ویژه شیعیان است. مقام معظم رهبری در این درباره چنین می‌فرماید: " (در اربعین) به شیعیان یاد دادند اینجا محل اجتماع شماس است. اینجا میعاد بزرگی است که با جمع شدن در این میعاد هدف جامعه شیعی و هدف بزرگ اسلامی جامعه مسلمین را باید به یاد هم بیاورید. تشکیل نظام اسلامی و تلاش در آن حتی در حد شهادت آن‌هم با آن وضع و این چیزی است که باید از یاد مسلمانان نمی‌رفت و خاطره آن برای همیشه زنده می‌ماند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: صص ۴۹-۵۰) امروز اجتماع عظیم بشریت در اربعین حسینی(ع) در حقیقت زمینه‌ساز تشکیل نظام اسلامی است که همان هدف بعثت انبیاء و نهضت حسینی بوده است.

۱۵-۳. اربعین عرصه تمرین جهاد، مجاهدت و ایثار برای نقش‌آفرینی در تمدن اسلامی

اربعین عرصه جهاد و ایثار جان و مال و عرضه گاه آثار آن و بستر تربیت نسلی مجاهد است. مقام معظم رهبری در این باره چنین می‌گویند: "یکی از ابزارهای مهم ادیان که در اسلام به‌طور واضحی وجود دارد مسئله جهاد است؛ جهاد باید همراه با ایثار باشد و الا جهاد نخواهد شد؛ ایثار یعنی از خود گذشتگی... این اعتقاد به معاد است که این ایثار را منطقی می‌کند؛ عقلانی می‌کند ایشان پیامبران الهی را تمدن‌سازان

تاریخ می‌دانند که از اول بعثت، دیگر روی خوشی و آسایش را ندیدند یکسره جهاد کردند." (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۴۴۴)

۱۶-۳- اربعین تابلوی تمام نمای شکست مادی‌گرایی در برابر اصالت‌ها

اربعین جلوه‌گاه شعار ما می‌توانیم و تجلی آیه شریفه "کم من فئه قلیله غلبه فئه کثیره باذن الله" (بقره/۲۴۹) است؛ و این در جهانی که غرق در مادیات است نویدبخش امکان تحقق تمدن اسلامی است. رهبری در این باره می‌گوید: "کربلا) همان نقطه‌ای که روزی تصور می‌شد همه‌چیز در آنجا دفن شد؛ اصالت‌ها، حقیقت‌ها، ارزش‌ها و همه‌ی جلوه‌های اسلام ناب پیغمبر (ص) از میان رفت و تمام شد، امروز ببینید چطور دل‌های مردم دنیا را به خودش جذب کرده... به خلاف وضع طبیعی عالم... هرچه این دایره وسیع‌تر شده، موجش بلندتر، نمایان‌تر، ماندگارتر، زاینده‌تر و جوشنده‌تر شده است. پس معلوم می‌شود دست‌های مادی، هیچ‌وقت نمی‌توانند اصالت‌ها را دفن کنند." (رهبری: ۱۳۷۸/۸/۲۳)

۱۷-۳- اربعین بازتاب نهضت‌های تمدن ساز انبیاء و اوصیاء (تجلی نبوت و امامت)

نهضت امام حسین (ع) مدل‌سازی و همسویی با پیامبران الهی است. رهبری در مورد بعثت انبیاء چنین می‌فرماید: "آن‌ها (انبیاء) آمده‌اند باز یک انقلاب نوین به وجود بیاورند همان کاری که اوصیای پیغمبر مابعد از رحلت پیغمبر ما انجام دادند؛ کار امیر المومنین، کار امام حسین (ع) کار دیگر ائمه، کار علمای امت اسلام و کار بالأخره صاحب‌الزمان (ع) ولی‌عصر" (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: صص ۳۶۲-۳۵۹). مقام معظم رهبری در مورد ولایت در اصطلاح قرآنی چنین بیان می‌کنند: "اما ولایت در اصطلاح اولیه قرآنی یعنی به هم‌پیوستگی و هم‌جبهگی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند؛ در این راه دارند قدم برمی‌دارند؛ برای مقصود دارند تلاش و حرکت می‌کنند؛ یک فکر را و یک عقیده را پذیرفتند و هر چه بیشتر این جبهه باید افرادش هم به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند برای اینکه از بین نروند و هضم نشوند... پیامبر با این پیوستگی امت اسلامی را تشکیل می‌دهد. (همان: ص ۵۲۰) بعد دیگر ولایت یعنی ارتباط مستحکم و نیرومند فکری و عملی هر یک از آحاد امت اسلام در همه حال با آن قلب یعنی امام است. خود پیغمبر هم یک امام است. "انی جاعلک للناس اماما" (بقره/۱۲۴) و آن فقیهی که جانشین امام مخصوص است، خود امامی ست منتها امامی ست که با نام معین نشده، با نشان معین شده." (همان: ص ۵۴۳ به تلخیص) اما انبیاء (و امامان) دو هدف دارند یکی ساختن انسان و دیگری تشکیل جامعه توحیدی که با قوانین و مقررات الهی

اداره می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۸۷) در پیاده‌روی اربعین نیز زائران چنین جامعه‌ای را تجربه می‌کنند. هم جامعه‌ای با مکارم اخلاقی همچون برادری، برابری، مواسات، ایثار و فداکاری وهم روی آوردن و توجه به سوی امامی که برای عمل به سیره پیامبر خاتم قیام کرد و به شهادت رسید و از آنجا که "پیامبر اکرم رحمتی عام است که همگان از او استفاده تکوینی و بهره غیر تکوینی می‌برند:" و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین" (انبیاء/۱۰۷) (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ص ۲۶۲) بنابراین امام حسین (ع) و نهضت ایشان که با هدف احیاء سیره پیامبر خاتم صورت گرفت برای بشریت رحمت عام است؛ زیرا هرچند که آیه ۲۵ سوره انبیاء از نبوت عام و رسالت عام سخن می‌گوید ولی ولایت عام هم همین حکم را دارد. (جوادی، ۱۳۹۰: ص ۵۸)

۴- چالش‌های پیش روی پیاده‌روی اربعین در جهت ایجاد تمدن سازی اسلامی

۱. تفرقه در درون جامعه تمدنی

۲. تقلید از سبک زندگی و رقابت‌های ناسالم غربی

هر حرکت ارزشمندی هرچند با اخلاص و اهداف متعالی آغاز شده باشد در ادامه راه ممکن است دستخوش اقداماتی در جهت رقابت یا برتری‌جویی گردد. اربعین و تمدن اسلامی نیز از آن مستثنی نیست. رهبری در این باره چنین گویند: "ما برای ساختن تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. فرهنگ غربی ذهن‌ها را مادی می‌کند هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. (خامنه‌ای: ۱۳۹۱/۷/۲۳)

۳. تهاجم تمدن و فرهنگ مادی به‌ویژه غربی

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: "هر جا غربی‌ها وارد شدند فرهنگ‌های بومی را نابود کردند؛ بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند تا آنجایی که توانستند تاریخ ملت‌ها، زبان و خط آن‌ها را تغییر دادند. (خامنه‌ای: ۱۳۹۱/۷/۲۳)

۴- فعالیت جریان‌های انحرافی در پیاده‌روی اربعین

از آغاز جریان انقلاب اسلامی و پس از پیروزی آن به تدریج دو جریان که به‌نوعی از آن‌ها با عنوان رقیب انقلاب اسلامی یاد می‌شده است با کمک قدرتهای جهانی رشد کرده‌اند؛ جریان‌های تکفیری

شیعیانی که به وابستگی به لندن مشهور شده‌اند." (خجسته، ۱۳۹۴: ۱۴۶) بدیهی است در اجتماع عظیم اربعین که گروه‌های گوناگون مخلصانه ارادت خود به سید و سالار شهیدان را ابراز می‌دارند جریان‌ات تکفیری نیز از این فرصت برای فعالیت‌های خود سوءاستفاده کنند.

۵- نظام‌های آموزشی و شناختی متعارض (دهشیری، ۱۳۹۴: ص ۱۰۴)

امروزه استکبار با تهیه اسنادی همچون سند هزاره، سند ۲۰۳۰ و اسنادی مشابه آن‌ها در پی تغییر رویه و محتوای آموزشی در نتیجه دیدگاه، فرهنگ و سبک زندگی جامعه بشری به‌ویژه جوامع مسلمان می‌باشد.

۶- سطحی‌نگری و عدم نگرش عمیق به اربعین

۷. عادی‌شدگی و مناسکی‌شدن و تهی‌شدن از خلاقیت‌های نوبه نو (شرف‌الدین، ۱۳۹۴: ص ۱۰۵)

۸. انجام رفتارها و اقداماتی ناشی از عدم قدرشناسی از میزبانی مردم عراق

برپایی موب‌هایی از سوی غیر عراقی‌ها همراه با امکانات فراوان و پذیرایی‌های گسترده نه تنها از سادگی و صفای سفر معنوی همراه با عزاداری اربعین می‌کاهد بلکه به نحوی سبب کم‌رنگ جلوه دادن میزبانی خالصانه مردم عراق ناسپاسی از خدمات آن‌ها خواهد شد.

۵- نتیجه‌گیری

از نظر مقام معظم رهبری ایجاد تمدن نوین اسلامی امری ضروری، از جمله اهداف نظام اسلامی می‌باشد. پیاده‌روی اربعین ظرفیتی بی‌بدیل و الگویی برای پیاده کردن برنامه‌های اسلامی به‌ویژه تمدن نوین اسلامی فراهم آورده است. لیکن شناخت شاخص‌ها و نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها می‌تواند به دستیابی بدان و ثبات در آن تأثیر به‌سزایی داشته باشد که در این پژوهش بدان‌ها اشاره شده است.

تمدن نوین اسلامی با وجود قدمت و قدرت تاریخی عظیم آن هنوز هم نیاز به حمایت و غنی‌سازی دارد تا نسل امروز مسلمین در قالبی متناسب با فرهنگ و شرایط خویش از آن بهره‌برداری کند. از طرفی رابطه تنگاتنگ تمدن با اخلاقیات و دین محور شدن جامعه دلیلی دیگر است تا تلاش کنیم تمدن نوین

اسلامی را با دید ویژه‌ای گسترش دهیم.

بدون شک یک تمدن غنی و به روز می‌تواند در تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی تاثیرگذار بوده و آن را به سمت تعالی سوق دهد. پیاده روی اربعین به عنوان یک مراسم مذهبی بسیار مهم در سالهای اخیر توانسته شیعیان سراسر جهان را گرد هم آورد و همین اجتماع زمینه ساز آشنایی بیشتر با حقیقت تمدن اسلامی است.

پیاده روی اربعین با ظرفیت بسیار بالا می‌تواند عرصه‌ی معنوی مناسبی برای تربیت و کادرسازی مسلمین جهان باشد تا برای پیشرفت جوامع اسلامی، مقاومت در مقابل بیگانگان، افزایش وحدت و همبستگی مسلمانان و اصلاح سبک زندگی به الگوی مناسبی دست پیدا کنند و رسانه‌ای خواهد بود تا شیعیان این راهنمای نجات بخش را به کل جهانیان معرفی نمایند.

اما با توجه به محدودیت مقالات پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی گسترده و کاربردی با بهره‌گیری از دیدگاه اندیشمندان در سطوح و حوزه‌های پیش رو صورت گیرد: سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی، جهان اسلامی، جامعه توحیدی و جامعه بشری، متناسب با دسته‌بندی‌های قرآن و عترت و در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که در آن علاوه بر فرصت‌ها و تهدیدها، راهکارهای مناسب مطرح گردد و در اختیار تصمیم‌گیران و نخبگان قرارگیرد به گونه‌ای که ذهن را درگیر، قلب را آرام و عمل را اصلاح کند.

منابع

- قرآن کریم
- ابراهیم نژاد، محمدرضا، پور عباس، محمد (۱۳۹۶)، **واکاوی مفهوم تمدن نوین اسلامی با رویکرد معنا شناختی**، دو فصلنامه پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۱۳-۳۶
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹)، **مقدمه ابن خلدون**، ترجمه محمدمبین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اکبری، محمدتقی و همکاران (۱۳۷۰)، **فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- انتظاری، علی (۱۳۹۶)، "زیارت اربعین در جهان قطبی شده"، چکیده مقالات دومین همایش بین‌المللی اربعین، کربلا: دانشگاه جامع کربلا و دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۶۱-۵۸.
- انیس، ابراهیم و همکاران (۱۴۱۶ ق)، **المعجم الوسیط**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم.
- ایولاکوست (۱۳۶۳)، **جهان بینی ابن خلدون**، ترجمه مظفر مهدوی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- بابایی، حبیب الله (۱۳۹۴)، "مدنیت و معنویت اربعین"، **مجموعه مقالات مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین**، تهران: سوره مهر، صص ۵۳-۴۳.
- تو این بی، آرنولد (۱۳۷۶)، **بررسی تاریخ تمدن**، ترجمه محمد حسین آریا، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴)، "مبانی دینی تمدن از منظر اسلام"، **مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی**، تهران: دانشگاه شاهد، صص ۶۳-۳۱.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، **انتظار بشر از دین**، قم: نشر اسراء.
- جوادی آملی ۱۳۹۰، **ادب توحیدی انبیاء در قرآن**، قم: اسراء، چاپ دوم.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۶)، "بررسی راهپیمایی عظیم اربعین از منظر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا"، چکیده مقالات دومین همایش بین‌المللی اربعین، کربلا، دانشگاه جامع کربلا و دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۸۵-۸۱.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، مقام معظم رهبری (۱۳۹۵)، **جاذبه‌ی حسینی**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم.

- حسینی خامنه‌ای، سید علی، مقام معظم رهبری ۱۳۹۶، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات ایمان جهادی، چاپ یازدهم.
- خاری آرانی، مجید و علی اکبر زاده آرانی، زهرا (۱۳۹۴)، "مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی"، مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد، صص ۶۴-۷۹.
- خجسته، حسن (۱۳۹۴)، "فرصت‌های پنهان راهپیمایی اربعین"، مجموعه مقالات مدنیت، عقلائییت، معنویت در بستر اربعین، تهران: سوره مهر، صص ۱۴۷-۱۳۷.
- خزاعی، علی و رجبی دوانی، محمدحسین (۱۳۹۴)، "بررسی تطبیقی فرجام شناسی تمدنی؟" مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۸.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج ۱.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴)، "تمدن نوین اسلامی، بنیادها و چشم اندازها"، مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد، صص ۹۴-۱۰۸.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، کارنامه اسلام، تهران: امیر کبیر.
- سماحه، سهیل (۱۳۸۳)، القاموس المبسط، معجمی الحی، تهران: سبزخامه.
- شرف الدین، سید حسین (۱۳۹۴)، "واکاوی راهپیمایی و گردهمایی اربعین"، مجموعه مقالات مدنیت، عقلائییت، معنویت در بستر اربعین، تهران: سوره مهر، صص ۹۷-۱۰۷.
- غفرانی، محمد وایت الله زاده شیرازی، مرتضی (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات روز، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قادری، سید علی (۱۳۹۵)، امام خمینی در پنج حوزه معرفت سیاسی الگوی شاخص برای نسل امروز، تهران: موسسه فرهنگی - هنری عروج.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۵۷)، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر.
- میکل، آندره وهانری لوزان (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت، ج ۲.
- نصر، سید حسن (۱۳۸۳)، اسلام و تنگناهای انسان متجدد، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۴)، علم و تمدن اسلام، چاپ چهارم، تهران: نشر اندیشه

- ولایتی، علی اکبر و همکاران (۱۳۹۲)، **تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**، تهران: امیر کبیر، چاپ چهارم، ج ۱.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲)، **برخورد تمدن‌ها**، ترجمه مجتبی امیری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ ق)، **الزام الناصب فی اثبات حجه الغائب (عج)**، محقق مصحح علی عاشور، بیروت: موسسه الاعلمی، ج ۲.

